

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۵ اکتوبر ۲۰۲۳

حق حاکمیت ملی، تساوی حقوق دول و ملل یعنی چه؟ چرا برخورد غلط به این مقولات فاجعه آفرین است؟

وقتی مسائل مشخص سیاسی پاسخ مشخص سیاسی را نیز می‌طلبند تازه آنوقت مشخص می‌شود کی "چند مرد حلاج" است. درک سیاسی از تساوی حقوق ملل و برابری حقوق دول، حق حاکمیت ملی و تعیین سرنوشت ملل، نقض حقوق ملل و تمامیت ارضی یعنی چه؟..... با درک صحیح از این مقولات است که می‌توان علی‌رغم ماهیت ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم‌های نظیر ایران، عراق صدام حسین، لیبیای قذافی و طالبان افغانستان، سوریه بشار اسد.... سرنگونی این رژیم‌ها توسط امپریالیست آمریکا که نقض آشکار حقوق ملل است و از نظرگاه حقوق بین‌الملل نیز غیر قانونی است، بی‌چون و چرا محکوم گردد. در چنین شرایطی است که باید افکار عمومی را برای ممانعت از تجاوز به این کشورها سوق داد. آنها که این را نمی‌فهمند و درک صحیحی از مسائل سیاسی ندارند برای این که دامنشان آلوده به دفاع از رژیم‌های مذکور نگردد برای محکم کاری به شعار "نه به همه نیروهای ارتجاعی" متوسل می‌شوند، هیچ مقاومتی را در مقابل اشغال و تعرض دشمن خارجی جز «مقاومت کمونیستی و انقلابی» و حل تضاد کار و سرمایه به رسمیت نمی‌شناسند.

مثلاً در مورد مشخص اشغال سوریه امروزی چنان دچار دوگانگی و سرگیجگی می‌شوند که حضورشان در یک تظاهرات ضد تجاوز به سوریه تحت شعار «دستها از سوریه کوتاه باد» عملاً منتفی است. زیرا، در چنین تظاهراتی شعار مرگ بر روسیه و چین و ایران و حزب الله، ونزوئلا و کوبا و اکوادور و بولیوی و نیکاراگوئه... که مخالف تجاوز به سوریه هستند، محلی از اعراب ندارد، بی‌ربط است، یک برخورد ترسکیستی و ماجراجویانه و نفاق افکنانه است که تاریخ بارها بی‌خاصیتی و ارتجاعی بودن چنین شعارهایی را ثابت کرده است. چنین افراد و جریاناتی در صورت پافشاری بر سر شعارهای خود به‌عنوان پروکاتور از صف تظاهرات به بیرون پرتاب می‌شوند.

حاکمیت ملی در ادبیات سیاسی اساساً در برابر مداخلات خارجی و در مقابله با رابطه سلطه و تابعیت و مداخله‌گری کشورهای امپریالیستی در کشورهای پیرامونی و یا حتا اعمال زور یک کشور امپریالیستی بر کشور دیگر امپریالیستی و نقض حاکمیت سیاسی مطرح است. حق حاکمیت ملی برای کشورهای مختلف با نظام‌های سیاسی مختلف به رسمیت شناخته شده است. به این معنا که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناختن حق حاکمیت ملی کشورها منوط به دموکراتیک

بودن نظام سیاسی و اجتماعی این کشورها نبوده است، بلکه یک امر سیاسی و از منظر حق تعیین سرنوشت تعریف می‌شود.

این تفکر ترنسکیستی که حق حاکمیت ملی کشورها را به رسمیت نمی‌شناسد و منوط به دموکراتیک و انقلابی بودن نظام سیاسی می‌کند حتا دامن بسیاری از افراد صدیق را آلوده کرده، آنها را سرانجام به ورطه پسیفیسیم، منزه‌طلبی و تئوری‌های توطئه سوق داده است. متأسفانه چنین تفکری در چند دهه اخیر ضربات سختی بر پیکر مبارزه ملل علیه نیروهای استعماری زده و مورد استقبال و بهره‌برداری دول سلطه‌گر جهان قرار گرفته است.